



تحلیل ماهیت دیه بر اساس قانون مجازات اسلامی پیشین و کنونی

پدیدآورنده (ها) : میر شکاری، عباس

حقوق :: نشریه راه وکالت :: پاییز و زمستان ۱۳۹۱، سال چهارم - شماره ۸

صفحات : از ۱۳۵ تا ۱۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1094091>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نگرش جدید بر قانون دیات: سیر تاریخی پیدایش نظام دیات
- واکاوی اثر سلطنت انسان بر اعضای بدن خود در خرید و فروش عضو
- عدم النفع قابل مطالبه نیست
- بررسی تطبیقی ماهیت دیه در فقه مذاهب اسلامی با نگرش به آراء حقوقدانان و نظریات مشورتی
- داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی
- تحولات حق استماع در حقوق اداری انگلستان و ایران
- حکم رشوه در زمان توقف حق بر آن
- داوری تجاری بین‌المللی و چالش اعمال قواعد آمره؛ مطالعه موردی داوری در حقوق رقابت
- بررسی و تحلیل ساختار کشاورزی روستاهای بخش خورگام شهرستان رودبار
- نقدی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه تداخل قصاص
- قاعده ی «اختلال نظام»؛ مفاد و قلمرو آن در فقه
- بررسی فقهی حقوقی حق توارث فرزندان متولد از اهدای جنین

عناوین مشابه

- تاثیر زمان در دیه قتل خطائی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران (تحلیل و نقدی بر ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی)
- تحلیل فقهی و نقد موادی از قانون مجازات اسلامی / راجع به مسولیت بیت المال در پرداخت دیه قتل
- تحلیل ماهیت محاربه در فقه و قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ و ۹۲
- واکاوی مفاهیم «مباشر» و «سبب» و تحلیل آثار آن بر اساس مبانی قانون مجازات ایران (مصوب ۱۳۹۲)
- تاثیر بهبود بر کاهش میزان دیه آسیب‌های جنایی در فقه و قانون مجازات اسلامی ایران؛ خلاها و چالش‌ها
- تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های فقهی راجع به میزان دیه پلک‌ها؛ «با تأکید بر ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی»
- تحلیل آزادی مشروط زندانیان بر اساس قانون مجازات اسلامی
- تحلیل و ارزیابی قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص شاکی با تأکید بر رویکردهای حقوق بشر در اسناد بین‌المللی
- واکاوی مبانی فقهی دیه در همزمانی نقصان تکلم و قطع بخشی از زبان (نقدی بر مواد ۶۱۱ و ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی)
- نقد و تحلیل مبانی فقهی بخش اخیر ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی «دیه آلت تناسلی عنین»

تحلیل ماهیت دیه بر اساس قانون مجازات اسلامی پیشین و کنونی

عباس میرشکاری

دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران

مقدمه:

در این مقاله پس از تعریف مجازات بوده و طرفداران نظر دوم بر ماهیت دیه بر این اعتقادند که دیه دیه، چهار نظریه مجازات بودن دیه، این باورند که دیه تنها جنبه جبران خسارت بودن دیه، تمیز ماهیت دیه بر مبنای حالت‌های مختلف و در نهایت نظریه سوم قایل به تفکیک ماهیت ماهیت ترکیبی دیه مورد بررسی دیه بر اساس حالات مختلف (بسته به قرار گرفته است. طرفداران نظر عمد بودن یا نبودن رفتار و...) هستند. ترکیبی دیه به عنوان نظر نخست معتقدند که دیه صرفاً ماهیت در نهایت طرفداران ترکیبی بودن برگزیده خواهد شد.

بند اول - تعریف دیه

در فقه، معمولاً دیه به عنوان مالی تعریف می‌شود که «بر اساس تقدیر شرع و به واسطه جنایت بر حر در نفس یا مادون آن واجب می‌گردد، و بر غیرمقدر، عنوان ارش اطلاق شده است».^۱ در ماده ۱۵ ق.م.ا. (مصوب ۱۳۷۰) نیز دیه چنین تعریف شده است: «دیه مالی است که از طرف شارع، برای جنایت تعیین شده است». همچنین بر اساس ماده ۲۹۴ همان قانون؛ «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی‌علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود». تعریف ماده فوق جامع نیست؛ زیرا ممکن است جنایت بر منفعت باشد؛ مثل شنوایی و بینائی بی‌آنکه ظاهر عضو آسیب ببیند.^۲

۱. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۵، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۹، ص ۳۱۵؛ عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، تحریرالروضه فی شرح اللمعه، تهیه‌کنندگان: علیرضا امینی و محمدرضا آیتی، سمت، ج ۳، بهار ۸۰، ص ۴۷۱؛ نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب الجواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ج ۴۳، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ۱۳۳۷، ص ۲؛ طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۴، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲، ص ۱۷۳؛ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، موسسه احیاء آثار، ج ۱، ۱۴۲۲، ص ۲۲۹؛ «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو واجب می‌شود و فرق نمی‌کند که از طرف شارع میزان آن معین شده باشد یا معین نشده باشد، و گاهی دیه فقط بر آن چه معین شده اطلاق می‌گردد و آنچه را که معین نشده است ارش یا حکومت می‌نامند...»؛ خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، ج ۲، مکتب علمی اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۵۳؛ «دیه مالی است که در جنایت بر نفس، اعضا و یا ایراد جرح و مانند اینها (از طرف شارع) مقرر و معین گردیده است»؛ عوض، احمد ادریس، دیه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۲، ص ۳۰؛ عارفی مسکونی، محمد، ماهیت حقوقی دیه و تحلیل میزان و نوع آن، دانشور، ۱۳۸۲، ص ۲۵؛ برای ملاحظه معنای لغوی دیه؛ رک.به: گرجی، دکتر ابوالقاسم، دیات، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۸۲.

۲. توضیح بیشتر آنکه در فقه در مقابل دیه نفس، دیه اطراف قرار داده شده و آن را در دو دسته کلی بررسی می‌کنند: دیه اعضاء و دیه منافع. (اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳، ص ۶۶۹ و ص ۶۸۴؛ خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۷۰؛ «القول فی الجنایه علی الاطراف و فیه مقاصد: المقصد الاول فی دیات الاعضاء...»؛ همان، ص ۵۸۷؛ «المقصد الثانی فی الجنایه علی المنافع»). در دیه اطراف، از دیه اعضای مادی بدن مانند مو، چشم، بینی، لب و... صحبت می‌کنند و در دیه منافع عمدتاً حواس مورد بررسی قرار می‌گیرد که آنها را نیز بر هشت قسم دانسته و از منافی

بر اساس ماده ۴۴۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.

بند دوم - ماهیت دیه

الف - ماهیت دیه بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

الف-۱ - مجازات بودن دیه

عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند دیه، مجازات است. به نظر اینان، دیه صرفاً یک کیفر جزایی است؛ از این رو، برخی از آن به «کیفر نقدی» تعبیر کرده‌اند.^۲ البته باید گفت که طبق این دیدگاه، دیه در جنایات شبه عمد و خطا، کیفر اصلی مرتکب است، ولی در جنایات عمد، اگر اولیای مقتول یا شخص مجنی علیه با جانی به جای قصاص، در پرداخت دیه توافق و مصالح کنند، کیفر بدلی شمرده می‌شود.^۳

برای اثبات این نظر از جمله به صراحت ماده ۱۲ ق.م.ا. استناد کرده‌اند؛ بر اساس این ماده، «مجازات‌های مقرر در این قانون پنج قسم است: ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازات‌های بازدارنده». به این ترتیب، صراحتاً دیه در زمره مجازات‌ها قرار گرفته است. به علاوه، به موجب ماده ۲۵۹ ق.م.ا. «هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بمیرد، قصاص و دیه ساقط می‌شود». ^۴ بدیهی است اگر دیه نوعی جبران خسارت بود، با فوت قاتل نه تنها از بین نمی‌رفت بلکه باید از مال قاتل پرداخت می‌شد. به این ترتیب تصریح به سقوط دیه در صورت فوت قاتل، عقیده مجازات بودن دیه را تقویت می‌کند؛ چون بقای مجازات علی‌رغم فوت جانی با اهداف مجازات (عبرت‌آموزی جانی: بازدارندگی فردی) و با اصول حقوق کیفری (اصل شخصی بودن مجازات‌ها) سازگار نیست. اما مهم‌تر از ادله فوق، وصف مقطوع بودن دیه است؛ چه اگر دیه خسارت بود، نباید از پیش توسط قانون‌گذار تعیین می‌شد بلکه باید به اختیار قاضی گذاشته می‌شد تا در هر پرونده با توجه به مقدار خسارت وارده، آن را تعیین کند؛ این در حالی است که

مانند حس شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی و... سخن رانده‌اند. (عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، شرح اللمعه، ج ۱۰، مطبوعه الآداب، ج ۱، ۱۴۱۰، ص ۲۵۴؛ برخی دیگر بر هفت نوع تقسیم کرده‌اند: نجفی، همان، ص ۲۹۱). البته قابل ذکر است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مواد ۲۹۷ به بعد خود به دیه نفس پرداخته و مواد ۳۳۷ به بعد از نیز به دیه اعضا اختصاص داده اما از تقسیم دیه اطراف به دیه اعضا و دیه منافع تبعیت نکرده بود؛ باب نهم کتاب چهارم این قانون «دیه اعضا» نام داشته در حالی که در این باب علاوه بر پرداختن به دیه اعضای مانند چشم و بینی، به دیه منافع نیز پرداخته شده است.

۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ج ۸، ۱۳۷۶، ص ۳۲۲.

۴. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۵.

۵. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص، ویستار، ج ۲، ۱۳۷۴، ص ۳۲۰.

دیه همانند مجازات‌ها، مقطوع است.^۶

نتیجه منطقی این نظر امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه است؛ زیرا دیه تنها قرار است مجرمی را به مجازات برساند بدون آنکه جبران خسارت، هدف آن باشد.^۷ پس برای تحقق این هدف، می‌توان به خسارات مازاد بر دیه حکم داد. این نتیجه در سال ۱۳۷۵ توسط هیات عمومی دیوان عالی کشور در نظریه شماره ۶ مورخ ۱۳۷۵/۴/۵ به این شکل پذیرفته شد:

«نظر به اینکه از احکام مربوط به دیات و فحوی مواد قانون راجع به دیات، نفی جبران سایر خسارات وارده به مجنی علیه استنباط نمی‌شود و با عنایت به اینکه منظور از خسارت و ضرر و زیان وارده همان خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی می‌باشد، لذا بنابر مستفاد از مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و با التفات به قاعده کلی لاضرر و همچنین قاعده تسبیب و اتلاف، لزوم جبران این‌گونه خسارات بلاشکال است».^۸

الف-۲- خسارت بودن دیه

از نظر دسته‌ای دیگر از حقوقدانان، دیه، برای جبران خسارت زیان‌دیده پرداخت می‌شود، بنابراین ماهیت آن، غرامت است.^۹ برای اثبات این نظر، دیه از زوایای مختلف بررسی شده و تفاوت‌های آن

۱. یکی از دلایل طرفداران مجازات بودن دیه، تعیین مقدار آن است و چون این مجازات‌ها هستند که معینند؛ پس دیه هم، مجازات است و حکم مجازات بودن را برای دیه اثبات کرده‌اند. (برای مطالعه بیشتر: بادینی، دکتر حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، انتشار، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲) حال آن که مثال نقض این استدلال، خسارت تاخیر تادیه (مذکور در ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق) است که مقطوع بود، اما در ماهیت مسئولیت مدنی آن تردیدی نبود. همان‌طور که عدم مقطوع بودن مجازات و وابسته کردن مقدار آن به معیارهای مختلف، ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد، مانند نهاد "structured fines" در حقوق امریکا؛ جریمه‌ای که میزان آن بر اساس ثروت یا درآمد مجرم تعیین می‌شود.

Koenig, Thomas, H. Blending U.S. Criminal And Tort Law For Civil Punishment Annals, Belgrade Law Review, 3/2008, p.141.

۷. دادگاه حقوقی یک ساری در پرونده کلاسه ۶۶۳۲۱ مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۹ دیه را نوعی مجازات تلقی نموده و اظهار داشته است: «با توجه به محتویات پرونده کیفری، مقصر بودن خواننده محرز است و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مغایرتی با موازین شرعی ندارد. با توجه به مواد ۷ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی، دیه نوعی مجازات است و با ضرر و زیان ناشی از جرم تفاوت بسیار دارد و طبق اصل اباحه، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم شرعاً ممنوع نشده، جایز و مباح می‌باشد».

۸. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷۹۷۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۹ مطالبه خسارات مازاد بر دیه را جایز دانسته است. در این نظریه آمده است: «با توجه به قواعد لاضرر و نفی حرج و قاعده تسبیب، چنانچه محرز شود که در اثر عمل جانی، خسارتی بیش از دیه یا ارش بر مجنی علیه وارد شده است، من جمله مخارج معالجه و مداوا، مطالبه آن از جانی که مسبب ورود خسارت بوده است، منع شرعی ندارد و ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی مصوب ۱۳۷۱.۱۱.۲۵ نیز موید این نظریه است». در نظر مشورتی اکثریت قضات در پاسخ به این سؤال که آیا ضرر و زیان هزینه‌های درمانی زائد بر دیه قابل مطالبه است یا خیر، آمده است: «در صورتی که دیه مورد حکم، کفاف هزینه‌های درمان مصدوم را نکند دادگاه مکلف است در صورت تقاضای مدعی خصوصی حکم ضرر و زیان او را صادر کند ولو اینکه زائد بر دیه باشد». در این نظریه به آیه شریفه «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» و نیز قاعده «لاضرر و لاضرار» و «بنای عقلا مبنی بر قبح ظلم» استناد شده است.

۹. گرجی، دکتر ابوالقاسم، مقالات حقوقی، دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۷۲، ص ۵۱: «به نظر می‌آید که دیه را باید از قبیل تادیه خسارت و جبران ضرر و زیان به شمار آورد که جنبه حقوقی و مالی دارد، نه کیفری و جزایی»؛ محقق داماد، دکتر مصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸؛ موسوی بجنوردی، سیدمحمد، نگرش جدید بر قانون دیات: سیر تاریخی پیدایش

با مجازات به‌ویژه از جهت عامل خسارت، پرداخت‌کننده، دریافت‌کننده و عمل مستوجب پرداخت دیه تحلیل می‌شود:

اول- از جهت عامل خسارت، دیه با مجازات متفاوت است؛ از این جهت که مجازات تنها بر اشخاصی قابل اعمال است که شرایط عمومی تکلیف را دارا باشند، این در حالی است که گاه اعمال مستوجب پرداخت دیه، توسط اشخاصی انجام می‌شود که این شرایط را دارا نیستند.

دوم- از جهت پرداخت‌کننده نیز تفاوت دیه و مجازات قابل مشاهده است؛ چه اگر دیه مجازات بود، با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، نباید پرداخت آن بر شخص دیگری تحمیل می‌شد؛ در حالی که در برخی موارد، عاقله و بیت‌المال، مسئول پرداخت دیه قرار می‌گیرند.^{۱۰}

سوم- در تفاوت دیه و مجازات، دریافت‌کننده دیه نیز مدنظر قرار می‌گیرد؛ پرداخت دیه نیاز به درخواست متضرر دارد؛ در حالی که اگر مجازات بود، باید خود به خود، پرداخت شده و اعمال آن به درخواست مجنی‌علیه نیازی نداشت. همچنین اگر دیه مجازات بود، عفو آن توسط مجنی‌علیه یا اولیای دم، امکانپذیر نبود؛ چون مجازات جنبه عمومی دارد و قابل عفو و اسقاط توسط مجنی‌علیه نیست، در حالی که می‌دانیم که دیه قابل عفو و اسقاط است. به علاوه، دیه اگر مجازات بود باید همچون جزای نقدی به خزانه دولت پرداخت می‌شد این در حالی است که دیه به مجنی‌علیه یا اولیای وی داده می‌شود، پس جنبهٔ تاوان در آن غالب است.^{۱۱}

چهارم- تفاوت دو نهاد فوق از جهت عمل مستوجب پرداخت دیه نیز قابل بررسی است: از این جهت که وضع مجازات همیشه در مقابل جرم می‌باشد، درحالی که دیه در مقابل فعل‌های خطایی یا شبه عمد (که جرم نیستند) نیز قرار می‌گیرد. همچنین، مقدار دیه در قتل شبه عمد و خطای محض یکسان است، درحالی که میزان تقصیر در قتل شبه عمد بیشتر از خطای محض است. این امر، بیانگر خسارت بودن دیه است؛ چون اگر دیه مجازات بود، باید بر اثر تشدید تقصیر، میزان دیه نیز تشدید می‌شد.

براساس این نظر، چون دیه، خود ابزاری برای جبران خسارت است؛ پس با پرداخت آن چنین فرض می‌شود که خسارت زیان‌دیده جبران شده است؛ در نتیجه پرداخت مبلغ دیگری به زیان‌دیده به عنوان خسارت، جبران خسارت به صورت مضاعف بوده و با اصل جبران کامل خسارات در تعارض است. چنان‌که برخی از قضات نیز در نظر مشورتی خود در زمینه هزینه‌های درمانی زائد

نظام دیات، مجله متین، ش ۵ و ۶، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹، صص ۳۱۹ - ۳۳۲: «دیه جبران خسارت مالیه است».

۱۰. تیموری، خیرالله، تنقیح ملاک تعیین میزان دیه (۱)، مجله متین، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۸، صص ۱۲۵ - ۱۴۶؛ برای مطالعه بیت‌المال، ر.ک. به: ایزانلو، دکتر محسن، میرشکاری، عباس، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، «بیت‌المال و نقش آن در جبران خسارت»، ش ۱۱۷، خرداد ۹۰.

۱۱. گرجی، دیات، ص ۵۱-۵۳؛ درخشان‌نیا، حمید، ضرر و زیان ناشی از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۵۰-۵۱.

بر دیه، قائل بر این شده‌اند که:

«در مورد صدمات بدنی غیر عمدی، غیر از دیه چیز دیگری به مصدوم تعلق نمی‌گیرد و صدور حکم زاید بر دیه ولو به میزان هزینه‌های درمانی متعارف، خلاف موازین فقهی است».^{۱۲}

در واقع زمانی می‌توان خسارت مازاد بر دیه را قابل مطالبه ندانست که دیه به منزله ابزار جبران خسارت باشد. همچنین در نظریه کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۲ می‌خوانیم:

«حاکم نمی‌تواند جانی را علاوه بر دیه مقدر شرعی، بابت مخارج معالجات نیز محکوم نماید و همچنین محکوم نمودن وی بابت خسارت از کارافتادگی (منافع فائته) مجوزی ندارد».^{۱۳} در آرای صادره از دیوان عالی کشور، نیز می‌توان همین برداشت از دیه را استنباط کرد. چنان‌که در رأی شماره ۱۰۴ مورخ ۶۸/۹/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آمده است:

«ادعای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بر اثر ضربه مغزی و شکستگی جمجمه شهاب زندی در دادگاه کیفری مطرح و رسیدگی شده و دادگاه کیفری در حکم خود مقدار دیه را بر طبق دیات معین نموده است. بنابراین دعوی ضرر و زیان وارده به شخص مزبور بر اثر همین جرم تحت عنوان دیگری غیر از دیه فاقد مجوز می‌باشد...».^{۱۴}

همچنین در رأی اصراری هیأت عمومی این دیوان به شماره ۱۱۰ مورخ ۱۳۶۸/۹/۲۱ می‌خوانیم:

«در خصوص مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، با توجه به اینکه در جرایمی که مستلزم پرداخت دیه است شرعاً جز دیه خسارت دیگری نمی‌توان مطالبه کرد... بنابراین حکم به پرداخت خسارت علاوه بر دیه وجهه قانونی ندارد...» و نیز، در رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۶ مورخ ۱۳۶۹/۵/۲۰ نیز بیان شده است: «دادگاه کیفری یک در مورد قطع نخاع که منتهی به از کار افتادن پاها شده است و همچنین برای هریک از صدمات دیگر بر وفق قانون دیات حکم به پرداخت چند دیه صادر کرده است بنابراین در مورد از کار افتادن پاها که بر اثر قطع نخاع بوده است مطالبه ضرر و زیان دیگری علاوه بر دیه، فاقد مجوز قانونی است». به علاوه، رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۱۹ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۸ مقرر می‌دارد:

«مستفاد از ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضای بدن، دیه تعیین نشده باشد، در ماده ۴۴۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان عم از آنکه بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند، دیه معین شده است که حسب مورد

۱۲. شفیع سروستانی، ابراهیم، قانون دیات و مقتضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ج ۱، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸؛ در نقد آن: هاشمی، سید محمود، آنچه بزهدکار افزون بر دیه باید بپردازد، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، سال دوم، ش ۵ و ۶، ۱۳۷۵، ص ۶۰.

۱۳. پرسش و پاسخ از کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی، ج ۲، دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۹۵.

۱۴. دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور، مذاکرات و آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ج ۲، سال ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۸.

همان مقدار دیه باید پرداخت گردد، تعیین مبلغ مازاد بر دیه با ماده مرقوم مغایرت دارد».^{۱۵}

الف-۳- تمییز ماهیت دیه بر مبنای حالت‌های مختلف

بعضی احتمال دیگری را درباره ماهیت دیه مطرح کرده‌اند؛ به این معنا که ماهیت دیه در همه موارد یکسان نیست، بلکه در حالت‌های مختلف، ماهیت جداگانه‌ای دارد. برای مثال، ماهیت دیه‌ای که از سوی غیر جانی مانند عاقله یا بیت‌المال یا ضامن جریره پرداخت می‌شود، خسارت است؛ زیرا هدف از چنین دیه‌ای آن است که خسارت‌های وارد بر مجنی علیه جبران شود نه آنکه عاقله یا بیت‌المال تنبیه شوند. اما دیه‌ای که از سوی شخص جانی پرداخت می‌شود، مجازات است. احتمال دیگر برای تفکیک در ماهیت دیه، آن است که دیه بدل از قصاص (اعم از قهری یا قراردادی) مجازات مالی به شمار رود، اما در سایر موارد خسارت محض تلقی شود. احتمال سوم، این است که دیه، چنانچه ناشی از جرم باشد، مجازات است، اما اگر ناشی از شبه جرم باشد، خسارت است.

اما اشکال این هر سه احتمال این است که دیه یک نهاد بیش‌تر نیست؛ پس نمی‌تواند ماهیت‌های مختلفی داشته باشد. در حالی که احتمالات فوق، ماهیت یکسانی را برای دیه در نظر نمی‌گیرند.

الف-۴- ماهیت ترکیبی دیه

عده‌ای معتقدند نباید برای الحاق دیه به یکی از دو ماهیت مجازات و خسارت، اصرار کرد؛^{۱۶} چه «تلاش برای الحاق دیه به یکی از دو ماهیت کیفری و مدنی در نظامی ضروری است که مرز قاطعی میان مسئولیت مدنی و کیفری وجود داشته باشد... در نظام کیفری‌ای که دارای مجازات قصاص است، مسئولیت کیفری و مدنی آن مرز قاطع در حقوق کنونی را ندارد و بیشتر نهادها دو چهره دارد؛ هم حقوق عمومی در آن ملحوظ است که جنبه کیفری دارد و هم حقوق خصوصی زیان‌دیده».^{۱۷} دیه نیز در همین اقلیم قرار دارد؛ نهادی خاص است و از هر دو جنبه فوق، بهره‌هایی دارد اما به نوعی، از هریک از آنها، استقلال دارد. به این ترتیب، دیه از این جهت که در صدد مجازات مجرم،

۱۵. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷.۳۳۷۶ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۳ بیان داشته است: «در صورتی که متهم قصاص شود یا حکم به پرداخت دیه صادر گردد، دیگر مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد نخواهد داشت. مواردی که ضرر و زیان مورد مطالبه مربوط به نفس یا عضو نباشد مطالبه آن بلاشکال است». همچنین در نظریه مشورتی شماره ۳۰۷۴/۷ مورخ ۶۳/۸/۹ همان اداره آمده است: «در صورتی که حکم به پرداخت دیه صادر شده باشد دیگر موردی برای مطالبه ضرر و زیان بر نفس یا عضو نیست؛ زیرا قانون‌گذار مقدار آن را در حد دیه معین کرده است و زاید بر آن قابل مطالبه نمی‌باشد. ولی در صورتی که ضرر و زیان مورد مطالبه مربوط به نفس یا عضو نباشد بلکه راجع به خسارت مالی باشد مطالبه آن بلاشکال است.»؛ شهری، غلامرضا، نظرات اداره حقوقی دادگستری، ج ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۲، ص ۷۲.

۱۶. حسینی‌نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، پخش فرهنگی و دانشگاهی شهید بهشتی، ج ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۹.

۱۷. کاتوزیان، دکتر ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، دانشگاه تهران، ج ۳، پاییز ۱۳۸۲، ص ۶۶.

تشفی خاطر آسیب‌دیده و عبرت سایرین است، جنبه کیفری دارد؛ برای همین، مقطوع خواهد بود اما از این جهت که خسارت زیان‌دیده را جبران می‌کند، جنبه مدنی می‌یابد؛ برای همین به زیان‌دیده پرداخت می‌شود.^{۱۸}

مرکز حرکت این عقیده، نادرست بودن نتایجی است که از هریک از دو دیدگاه تلقی دیه به عنوان خسارت یا مجازات ناشی می‌شود؛ چه اگر دیه تنها مجازات باشد، پس زیان‌دیده یا شاکی می‌تواند هم دیه را بگیرد و هم زیان ناشی از جرم را؛ نتیجه‌ای که پذیرش آن، بر خلاف اصل جبران کامل خسارت در مسئولیت مدنی بوده و موجب انتفاع زیان‌دیده می‌شود. از طرف دیگر، اگر دیه فقط برای خسارت باشد، پس می‌توان دیه را با قصاص، حدود و تعزیرات جمع کرد؛ این نتیجه نیز برخلاف اصول حقوق جزا در خصوص منع اختلاط مجازات‌هاست.^{۱۹} به علاوه، این نظر تناقض‌گویی و تعارض‌های قانون مجازات اسلامی را نیز توجیه می‌کند؛ چه این قانون پیرامون ماهیت دیه دچار تعارض است؛ به گونه‌ای که بعضی موادش به خسارت بودن و بعضی به مجازات بودن دیه اشاره دارد؛ بنابراین، با این طرز تلقی به نحوی میان این تناقض‌های ظاهری جمع حاصل خواهد شد.

بدین ترتیب، «دیه از یک سو، مجازات است؛ به خاطر اینکه جزایی است مقدر و معین که در مقابل ارتکاب جرم مقرر شده است... از سوی دیگر، دیه، خسارت مدنی و عوض است؛ به خاطر اینکه دیه، مالی است که به طور کامل به مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد و همچنین اگر مجنی‌علیه از حق خود در گرفتن دیه صرف‌نظر کند، نمی‌توان جانی را به پرداخت دیه محکوم کرد».^{۲۰}

در این تعبیر، «قانون‌گذار میزان حداقل ضرر ناشی از این جرائم را تعیین کرده است تا به عنوان مجازات مرتکب و تشفی خاطر قربانی به او داده شود»^{۲۱} علی‌الاصول نیز این میزان، خسارت

۱۸. «مستنبط از ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی و مواد قانون دیات و آراء وحدت رویه، بالاخص آراء شماره ۵۶۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ و ۱۰۴ مورخ ۱۳۳۷/۹/۱۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور و عملکرد مراجع قضائی، در مجموع می‌توان گفت که دیه نوعی خسارت شرعی است که مقنن به لحاظ مصالح و خیر و صلاح اجتماع آن را به عنوان مجازات تلقی نموده است»؛ رضیعی، بهمین، بررسی وضعیت اجرای احکام دیات، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، ش ۲۷، تابستان ۱۳۷۸، صص ۲۷ تا ۵۲.

۱۹. کاتوزیان، دکترناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱، ص ۶۷.

۲۰. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، مؤسسی الرساله، ج ۱۴، ۱۴۱۹؛ اداره حقوقی دادگستری در نظریه شماره ۷/۸۳۷ مورخ ۱۳۶۵/۵/۲۱ به شرح زیر اظهار نظر کرده است: «...دیه هم مجازات است و هم دین و حق مالی مجنی‌علیه و اولیای دم...» همچنین اداره حقوقی دادگستری در پاسخ به این سؤال که «با توجه به این که دیه دارای جنبه کیفری است، آیا با فوت محکوم‌علیه اجرای حکم باید موقوف گردد یا خیر؟» طی نظریه شماره ۲۹۹۱/۷ مورخ ۱۳۶۵/۵/۲۱ اعلام کرده است که: «هرچند دیه مانند جزای نقدی، مجازاتی مالی است ولی در عین حال دین و حق مالی برای اولیای دم و بر ذمه جانی است؛ لذا با فوت محکوم‌علیه دیه از اموال متوفی باید استیفاء گردد». به نقل از: عارفی مسکونی، محمد، ماهیت حقوقی دیه و تحلیل میزان و نوع آن، ص ۲۵ تا ۷۵؛ «دیه دو جنبه است، یعنی در عین حال که مطابق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی یکی از اقسام مجازات‌هاست لیکن بنابر تعریف دیه به استناد مواد ۱۵ و ۲۴۹ قانون مجازات اسلامی و فتاوی فقها و ماهیتا مال و از مصادیق دین است...»؛ دادنامه شماره ۱۹۳۲ بتاریخ: ۸۴/۷/۹ به کلاس پرونده: ۸۴/۱۴/۱۰۱۳، صادره از شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۲۱. کاتوزیان، دکترناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱، ص ۶۷.

زیان‌دیده را جبران می‌کند مگر آنکه وی اثبات کند که زیانی بیش از دیه تعیین شده به وی وارد شده است.^{۲۲}

ب- ماهیت دیه براساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

برای مطالعه وضعیت کنونی، باید به سراغ پیشینه‌ی قانون جدید رفت. در نخستین گام نیز، باید از لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) یاد کرد؛ این لایحه در جلسه‌ای به تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس رسیده و در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۵، مجلس شورای اسلامی با اجرای آزمایشی آن موافقت کرد. براساس ماده ۱۴ این لایحه، دیه از جمله مجازات‌ها می‌باشد. با این حال، مواد ۱۷ و ۴۵۰ همان لایحه نیز از آن با عنوان مال نام برده است. در ماده ۴۵۴ نیز می‌خوانیم: «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم بوده و دارای احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان است». از چنین صراحتی می‌شد برداشت کرد که خسارت مازاد بر دیه قابل مطالبه نیست؛ با این حال، در ماده ۴۵۶ نتیجه‌ی دیگری گرفته شد: «هرگاه هزینه‌های متعارف معالجه مجنی علیه بیش از دیه باشد علاوه بر دیه، خسارت مازاد نیز باید از باب قاعده لاضرر با اخذ نظر کارشناس و با حکم دادگاه تعیین ... گردد».

اما شورای نگهبان در تاریخ ۸۹/۹/۱ پرداخت خسارت مازاد بر دیه را خلاف شرع شناخت. (نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۰۶۲۷) با توجه به ایراد شورای نگهبان، اصلاحاتی در متن لایحه در جلسه مورخ ۹۰/۵/۲ کمیسیون حقوقی و قضایی به تصویب رسید. در این متن جدید، اگرچه مواد ۱۴، ۱۷، ۴۵۰ و ۴۵۴ تغییری نکرد اما ماده ۴۵۶ حذف شد. سرانجام، نیز متن نهایی قانون مورد گفت‌وگو در ۱۳۹۲/۲/۱ به تصویب کمیسیون پیش‌گفته و در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید. حال جای این پرسش است که آیا با توجه به قانون جدید، خسارت مازاد بر دیه قابل جبران است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان به ماده ۴۵۲ متوسل شد که بر پایه‌ی آن، دیه احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد. بنابراین، فرض بر این است که ماهیت دیه، مسؤولیت مدنی و کارکرد آن، جبران خسارت وارده است؛ بنابراین، با گرفتن دیه، بنابر فرض، همه خسارت فرد جبران می‌شود؛ پس مطالبه خسارتی مازاد بر دیه، برخلاف اصل جبران کامل خسارات است. به این دلیل، می‌توان حذف ماده ۴۵۶ را نیز افزود؛ در واقع، حذف ماده‌ای که مطالبه خسارت مازاد بر دیه را مجاز می‌دانست، دلیلی است بر عدم امکان مطالبه این خسارت.

اما این تفسیر، همه‌ی تلاش‌های حقوق‌دانان در سه دهه‌ی گذشته برای توجیه امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه را بر باد خواهد داد. پس باید راه دشوارتری را در پیش گرفت. در این راه، از

۲۲. «با عنایت باینکه دیه مجازات و جبران خسارت است و پرداخت وجوهی مازاد بر دیه برای جبران خسارات وارده در صورتی قابل پذیرش است که دیه پرداختی جبران خسارات مربوطه را نمایند...» دادنامه شماره: ۱۳۸۰ به کلاس پرونده: ۱۳۹۵/ت/۸۵/۴۰. مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۹ صادره از شعبه ۴۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران

حذف ماده ۴۵۶ نباید هراسید؛ این حذف، نه تنها دلیلی برای ممنوعیت مطالبه خسارت مازاد بر دیه نیست، بلکه برعکس، باید از آن در راستای امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه بهره برد؛ در واقع، اگرچه در یک تفکر دقیق حقوقی، تلقی دیه به عنوان مسئولیت مدنی، با مطالبه خسارت افزون بر دیه، ناسازگار است اما قانون‌گذار ما در متن مصوب خویش در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۵، این دو را با یکدیگر ناسازگار ندید؛ چنانکه هم ماهیت مسئولیت مدنی را برایش پذیرفت و هم مطالبه خسارت افزون بر دیه را مجاز دانست. ماده ۴۵۶ نیز نه به دلیل ناسازگاری این دو سخن با یکدیگر، بلکه به سبب تصور غیرشرعی بودنش، حذف شد. پس در نگاه قانون‌گذار ما یک نهاد حقوقی (دیه) می‌تواند هم کارکرد مسئولیت مدنی داشته باشد و هم خسارت مازادش قابل مطالبه باشد. پس با وجود آنکه در متن کنونی قانون مجازات، ماهیت دیه، مسئولیت مدنی دانسته شده، می‌توان مطالبه خسارت مازادش را نیز مجاز دانست. اگر این سخن نیز دلنشین نباشد، می‌توان گفت که اگرچه ماده ۴۵۶، حذف شده اما هنوز تعریف دیه، که مؤند ماهیت ترکیبی آن است، دست‌نخورده باقی مانده است؛ چه از یک‌سو، براساس ماده ۱۴، دیه مجازات است و از دیگر سو، براساس ماده ۴۵۴، ماهیت دیه، مسئولیت مدنی است. بنابراین، قانون‌گذار ما به سمت نظریه ترکیبی گرایش یافته است. حذف ماده یاد شده نیز به معنای سکوت قانون‌گذار ما در برابر موضوع امکان مطالبه خسارت افزون بر دیه است؛ در نتیجه، موقعیت کنونی ما در برابر این موضوع، همانند موقعیتی است که در هنگام قانون مجازات اسلامی پیشین داشته‌ایم؛ پس، همچنان که در آن زمان، خسارت مازاد بر دیه قابل مطالبه بود، در این زمان، نیز به همین نکته می‌توان باور داشت؛ به ویژه آنکه این نظر با نظریات فقهی و حقوقی معاصر نیز سازگار است.^{۲۳}

۲۳. «دیه به نظامی پیوند خورده است که در آن نظام حقوقی، همه ضررها باید جبران شود.» کاتوزیان، دکتر ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱، ص ۷۰؛ صانعی، یوسف، مجمع‌المسائل، استفتائات، ج ۱، ج ۳، بهار ۷۷، ص ۱۲؛ هاشمی شاهرودی، سید محمود، آنچه بزهکار افزون بر دیه باید بپردازد: «شارع مقدس چگونه چیزی را که کافی برای جبران خسارت بر مجنی‌علیه نیست، کافی برای جبران خسارت بدانند؟ آری اگر دیه می‌توانست یک حکم تبعیدی باشد، به این معنی که شارع تعبداً بفرماید، شما باید فقط به دیه اکتفا نمایی خواه کافی برای جبران خسارت‌ها باشد و یا کافی نباشد، مانعی از اکتفا به آن وجود نداشت، اما آیا چنین تبعیدی معقول است و عقلاً آن را می‌پذیرند؟ یا آن را یک ظلم آشکار نسبت به مجنی‌علیه می‌دانند؟ بنابراین از میزان دیه مقرر به وضوح می‌توان استفاده کرد که جبران همه خسارت‌های حاصل شده از جنایت علیه جان و بدن آدمی مدنظر شارع بوده است. مقطوع بودن میزان دیه در نظام حقوقی اسلام از این حیث معنی‌دار و منطقی جلوه می‌کند. لذا اگر شارع بر این بود که بخشی از خسارت جبران شود چون این امر برخلاف ظاهر بود قطعاً ضرورت داشت در این خصوص قیدی ذکر شود و حتی ضروری بود که در رابطه با مابقی خسارت سخنی به زبان رانده شود. دقت در نظرات فقهای بزرگ اسلام که در طول تاریخ اظهار کرده‌اند ما را در فهم عمیق این نکته یاری خواهد کرد. اذعان و تصریح اغلب فقهای مبنی بر اینکه اخذ مبلغ بیش از دیه مقرر مشروعیت ندارد، نکته در خور توجهی است. به‌ویژه که فراموش نکنیم آنها در کتب فقهی خود به تفصیل از قواعد لاضرر و تسبیب و اتلاف و غیره بحث کرده‌اند و اعتقاد دارند که هیچ ضرری در اسلام بدون جبران باقی نمی‌ماند. اصرار و پافشاری آنها به این برداشت از روایات پیرامون دیات، به جد هم خلوص و تعهد آنها را نسبت به اصول علمی استنباط به نمایش می‌گذارد و هم این معنی را به اثبات می‌رساند که مقطوع بودن مبلغ و میزان دیه در چنین نظامی به این معنی است که شارع مقدس مبلغ مذکور را در زمان صدور روایات برای جبران خسارت‌های حاصل شده کافی می‌دانسته است.»

منابع:

الف - فارسی

۱. ایزانلو، دکتر محسن، میرشکاری، عباس، «بیت المال و نقش آن در جبران خسارت»، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، ش ۱۱۷، خرداد ۱۳۹۰.
۲. بادی، دکتر حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، انتشار، چ ۱، ۱۳۸۴.
۳. تیموری، خیرالله، تنقیح ملاک تعیین میزان دیه (۱)، مجله متین، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۸.
۴. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چ ۸، ۱۳۷۶.
۵. درخشان‌نیا، حمید، ضرر و زیان ناشی از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
۶. رضیعی، بهمن، بررسی وضعیت اجرای احکام دیات، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، ش ۲۷، تابستان ۱۳۷۸.
۷. شامبیانی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص، ویستار، چ ۲، ۱۳۷۴.
۸. شیعی سروستانی، ابراهیم، قانون دیات و مقتضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چ ۱، ۱۳۷۶.
۹. شکری، رضا؛ قادر، سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر، ۱۳۸۱.
۱۰. عارفی مسکونی، محمد، ماهیت حقوقی دیه و تحلیل میزان و نوع آن، دانشور، ۱۳۸۲.
۱۱. عوض، احمد ادريس، دیه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۲.
۱۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، دانشگاه تهران، چ ۳، پاییز ۱۳۸۲.
۱۳. گرگی، دکتر ابوالقاسم، دیات، چ ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۸۲.
۱۴. گرگی، دکتر ابوالقاسم، مقالات حقوقی، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۲.
۱۵. محقق داماد، دکتر سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۶. محقق داماد، دکتر سیدمصطفی، قواعد فقه، چ ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۵، ۱۳۷۴.
۱۷. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، نگرش جدید بر قانون دیات: سیر تاریخی پیدایش نظام دیات، مجله متین، ش ۵ و ۶، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.
۱۸. هاشمی، سید محمود، آنچه بزهکار افزون بر دیه باید بردارد، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، سال دوم، ش ۵ و ۶، ۱۳۷۵.

ب- عربی

۱۹. اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳.
۲۰. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، چ ۲، مکتب علمی اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۱. طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، چ ۱۴، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲.
۲۲. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، تحریرالروضه فی شرح اللمعه، تهیه‌کنندگان: علیرضا امینی و محمدرضا آیتی، سمت، چ ۳، بهار ۸۰.
۲۳. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چ ۱۵، موسسه معارف اسلامیه، چ ۱، ۱۴۱۹.
۲۴. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، شرح اللمعه، چ ۱۰، مطبوعه الآداب، چ ۱، ۱۴۱۰.
۲۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، چ ۲، موسسه احیاء آثار، چ ۱، ۱۴۲۲.
۲۶. نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب الجواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چ ۴۳، دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ۱۳۳۷.

ج - لاتین

27. Koenig, Thomas, H. BLENDING U.S. CRIMINAL AND TORT LAW FOR CIVIL PUNISHMENT Annals, Belgrade Law Review, 3/2008.